

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۱۲ دسمبر ۲۰۱۷

ترجمه

السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۲۳

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی

ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مسألة چهل و ششم

آنست: که حدث امام را حدث بینی، و هر که جز این داند از پس وی نماز روا نباشد. زیرا رسول علیه الصلوة والسلام گفت: الإمام ضامن والمؤذن مؤتمن. امام ضامن قوم است و مؤذن امین. چون تو نماز تنها کنی و امام تنها. پس چه چیز نماز قوم را ضامن باشد؟ پس اگر کسی نماز خود کردی، حدث امام حدث نبودی، نماز جماعت را چه فضل بودی؟ پس چون اول گوئی بی مسح روانباشد؟ و چون امام جنب باشد گوئی قوم را نماز روانباشد پس به حقیقت بدانکه: هرگز نماز جماعت نکرده و فضل نماز جماعت را دریافته. این مقدار بس باشد خردمند را.

مسألة چهل و هفتم

آنست: که به آب اندک ایستاده طهارت روانباشد، و آب اندک کم از یک من نباشد. زیرا که رسول علیه السلام، از یک من آب طهارت کرد و از چهار من غسل کرد. و کمترین آب آبدس یک من است. و کمترین آب غسل چهار من است. و هر آبی که بجنابانی از یک جانب، دیگر جانب نجنب و مرآن را گذرنباشد، از آن آب طهارت کرد روا باشد. و هر حوض که ده در ده نباشد، از آن آب طهارت کرد روانباشد. و هر که به آب اندک طهارت روا بیند، از پس او نماز روا نباشد، و آنکس هوادار باشد.

و گفت رسول علیه السلام: که گزیدگان آنهایند، که به آب اندک آبدست کرد و اسراف نکرد در آب ریختن. و خواجه ابو حسن کرخی گوید، حال آبدست سه است:

اول کسی که استنجا کند و بر موزه مسح نکند، آب یک من نیم بیايد. و اگر استنجا نکند و مسح موزه بکند، نیم من آب بس باشد.

اگر استنجا نباید کرد، و بر موزه مسح نه باید کشید. یا استنجا باید کرد و بر موزه بیايد کرد یک من آب بس باشد. این مقدار بس بود خردمند را.

مسأله چهل و هشتم

آنست: که مسح بر موزه حق است و حق ببند. و چون بر موزه مسح کشد، چون موزه بیرون کند پای باید شست، و اگر نشوید از پس آن نماز روانباشد، و هر که بر موزه مسح روا نبیند، و بر پای برهنه روا ببند، او هوادار و شیعی و رافضی باشد. این مقدار بس باشد خردمند را.

مسأله چهل نهم

آنست: که اگر کسی را از اندام خون رود یا ریم، یا آنچه بدین ماند و روان باشد، طهارتش تباہ شود. و هر که فصد و یا حجامت کند و نماز کند، نمازش روانیود. و از پس آن نماز روا نبود. و آن هوادار باشد. این مقدار بس باشد خردمند را.

مسأله پنجاهم

آنست: که بر همه مسلمانان واجبست که دین رانگاه دارند. زیرا که هواهای مختلف پیداشده است. و ابوهریره رضی الله عنه روایت کند: که رسول علیه السلام گفت که حق تعالی خلق را بر چهار نوع آفرید: فرشتگان و دیو و پریان و آدمیان. پس مر این چهار گروه را ده قسم گردانید: نه قسم از آن دیواند و یک قسم پریانند و آدمیان. باز این دو گروه را ده قسم گردانید: نه قسم از آن پریانند و یک قسم آدمیان آمدند. پس از هزار جزو یک جز آدمیان آمدند.

پس این یکی جزو را از آدمیان صدویست و پنج جزو گردانید. صد جزو از ایشان در زمین هند اند، یا جوج و مأجوج و مانوق و ماسوق و ماکوخ و ساطوخ است و جزو ایشان که همه کافرنند و بازگشت ایشان به دوزخ است. و از جمله بیست و پنج جزو باقی، دوازده جزو را در بلاد روم ساکن ساخت: نسطوریه و ملکانیه و اسرائیله. و این دوازده جزو همه کافرانند و ناشناخت، و نامزد آتش دوزخ. و از آن جمله سیزده جزو باقی، شش گروه ایشان در زمین مشرق اند: ترکست و خاقان و خلج و خزر و جزو ایشان نیز کافرنند و بازگشت ایشان نیز به دوزخ است. و شش گروه دیگر در مغرب اند: زنگیانند و نبطیانست و حبش و غیر اینها. و این همه کافرنند و بازگشت ایشان به دوزخ است.

و خواجه ابوالقاسم حکیم رحمه الله گفت: این صدویست و پنج گروه بیرون از ترسایان و مغان و جهودان اند و بازگشت ایشان به دوزخ است. و اهل توحید یک قسم ماندند و ایشان هفتاد و سه فرقه شدند. هفتاد و دو فرقه اهل بدعت و ضلالت اند، و بازگشت ایشان به دوزخ است. اگر خدای تعالی خواهد. ایشان از دوزخ بیرون ماند. و یک جزو که اهل سنت و جماعتند، زندگانی کنند میان خوف و رجاء. و رسول علیه السلام گفت: آن که گناه کارانند و بدکردارانند، توفیق منشور یَغْفِرُ لِمَنْ یَّشَاءُ وَ یُعَذِّبُ مَنْ یَّشَاءُ در شأن ایشان است و حساب ایشان بر خدای است عَزَّوَجَلَّ. خواهد ایشان را عذاب کند اگر خواهد عفو کند و همه خلق که شدمن اهل سنت و جماعتند ایشان آن کسانی که بر مؤمن به کفر گواهی ندهند اگر چه کبیره کند. و از پس هر نیک و بد نماز کنند، و نماز جنازه ایشان حق ببند، که از اهل قبله مرده باشد. و از نماز آدینه دست باز ندارند، و از پس هر امام عادل یا جابر نماز کنند. ایشانند اهل سنت و جماعت تا روز قیامت.

و چنین گفت خداوند من ، و مرا هم بدین فرمود، و هر که بدین حال نباشد، بر حال زندگانی من و بعد از وفات من ، از منیست نه در دنیا و نه در آخرت.

و اندر خبر است : که چون حق تعالی آدم را علیه السلام بیافرید و باز به بهشت برد و باز به دنیا فرستاد. ابلیس را به سبب آدم علیه السلام لعنت کرد و هر دو را به دنیا فرستاد، و هر فرزندی از فرزندان آدم علیه السلام که بیافرید، بدل آن از دیو ده فرزند آید، و نیز فرزندان آدم میزاید و میرند و از فرزندان ابلیس نیمرند تا قیامت. و حق تعالی مرابلیس را تمنی داده است در هوا، و لشکر می فرستد سوی فرزندان آدم، اندر هر روزی هفتاد بار ابلیس را از حال فرزندان آدم خبر می کند، و هر

مؤمن را که اجل فرارسد ابلیس علیه لعنت را خبر کنند، که فلان بنده برنزع است. ابلیس هفتاد هزار دیو را نامزد کند، تاگرد آن بنده درایند، ازبهر آن که تامگر ایمان از آن بنده توانند ربود. اگر این بنده بر سنت و جماعت باشد، حق تعالی بدل هر دیو ده فرشته فرستد، تاجان وی به رضای حق تعالی برآید. و اگر آنکس نَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ ذَلِكَ مَبْتَدِع باشد، آن را از پس ابلیس و لشکر آن بگذارند تاجان آن برآید بر کافری. نَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الْبِدْعَةِ وَالضَّلَالَةِ وَمِنْ تِلْكَ الْحَالَةِ.

و عبدالله بن عباس روایت کند که رسول علیه الصلوة والسلام گفت: که چون روز قیامت باشد هواداران راسوی دوزخ برند. ایشان گویند: بار خدایا! نه بت پرستیدیم و نه آفتاب و نه ماهتاب و نه ستاره. مارابه دوزخ می فرستی؟ عبدالله بن عباس گریان شد و گفت: راست می گویند نه بت پرستیدند و نه آفتاب و نه ماه، ولیکن چیزهای گفته باشند بهوای نفس خود، که کفر و شرک و رамده باشد و ایشان را خبرنی.

پس باید که مؤمن این طریق و این مذهب را نگاه دارد که گفته شده است، تا از هواها و بدعتها دور باشد. این مقدار بس بود خردمند را